یادداشت

وزارت رفاه الگویی برای حکمرانی توسعه‌گرا

بهنام ذوقی‌رودسری

یکی از محورهای مهم بحث‌های انتخاباتی اخیر، موضوع برنامه توسعه و امکان تحقق رشدهای بالا براساس اسناد بالادستی بوده است. سیاست‌مداران و دولت‌ها می‌آیند و می‌روند اما تحقق و حفظ نرخ رشدهای بالا هنوز یک معما باقی مانده است. همه ما می‌توانیم فهرست بلندی از موانع برون‌زای رشد در کشور ارائه کنیم اما با وجود همه این موانع و تمامی محدودیت‌های منابع در دسترس، تصحیح نگاه ما به توسعه و تغییر در حوزه حکمرانی توسعه می‌تواند به خروج کشور از تله درآمد متوسط و ورود به باشگاه کشورهای درحال‌توسعه با درآمد بالا کمک کند. در این یادداشت تلاش دارم با اشاره به دو نمونه از تلاش‌های کمتر دیده‌شده دکتر احمد میدری در زمینه اصلاح نرم‌افزار حکمرانی توسعه، استدلال کنم که چرا اعتماد مجلس به دکتر احمد میدری در مقام وزارت رفاه می‌تواند گام بزرگی در ارتقای توانایی‌های دولت در تحقق رشد بالا محسوب شود. یکی از مهم‌ترین موانع در برابر تحقق رشد بالا در ایران، پایین‌بودن ظرفیت‌های اجرائی است. من به همراه بسیاری دیگر از پژوهشگران سیاست‌گذاری و توسعه در ایران از طریق پژوهش‌های دکتر میدری با این مفهوم آشنا شدیم. پیش از ورود دکتر میدری به معاونت رفاه، سکان‌داران سیاست اجتماعی در ایران اطلاعات و داده‌های مناسبی برای دسترسی به افراد آسیب‌پذیر در اختیار نداشتند. برای سیاست‌گذاری کارآمد و مؤثر و ایجاد بیشترین اثرگذاری با استفاده از منابع محدود، سیاست‌گذار رفاهی باید توصیف دقیقی از کودکان بازمانده از تحصیل، افراد دارای معلولیت، زنان سرپرست خانوار، خانواده‌های با درآمد پایین، دسترسی به خدمات درمانی و بسیاری موارد دیگر داشته باشد. یکی از دستاوردهای بزرگ دکتر میدری که در هیاهوی تلاطمات سیاسی سال‌های گذشته دیده نشد، ساخت زیرساخت‌های ظرفیت‌ساز درباره فقر و نابرابری در ایران بوده است. امروز سیاست‌گذار رفاهی و اجتماعی در ایران این امکان را دارد که با چشم باز از مجموعه داده‌های مختلف با دقت بالایی توصیف مناسبی از عوامل فقر و نابرابری در بخش‌های مختلف استفاده کند و با استفاده از ابزارهای تحلیلی ارزنده‌ای همچون مجموعه گزارش‌های فقر چندبعدی، در تخصیص منابع در راستای اثربخش‌ترین شکل از فقرزدایی اقدام کند. امروز سیاست‌گذار رفاهی تصویر دقیقی از نقشه فقر در ایران و شناخت خوبی هم از ابزارهای لازم برای فقرزدایی دارد. پایگاه داده رفاه ایرانیان، مجله گفتمان‌ساز قلمرو رفاه و مجموعه‌های پژوهشی قابل اتکای حوزه فقر و نابرابری از جمله تلاش‌های تخصصی دکتر میدری هستند که موجب افزایش ظرفیت‌های اجرائی سیاست‌گذاری رفاهی در کشور شدند و امکان سیاست‌گذاری مؤثر در مقابله با فقر و نابرابری در کشور را فراهم کردند. جلب توجه به قوانین مربوط به کنترل تعارض منافع یکی دیگر از تلاش‌های مهم دکتر میدری بود که امیدوارم با حمایت مجلس محترم، تداوم و به ثمر نشستن آن بتواند نقش مهمی در تغییر مسیر توسعه ایران داشته باشد. من و بسیاری دیگر از علاقه‌مندان به سیاست‌گذاری عمومی درس‌های مهمی درباره توسعه فراتر از کتاب‌های درسی اقتصاد را بار اول از دکتر میدری آموختیم و مسئله مدیریت تعارض منافع یکی از آنها بود. در قالب پروژه تعارض منافع، دکتر میدری از عواملی همچون جذب سرمایه‌گذاری و ساخت زیرساخت فراتر می‌رود و توضیح می‌دهد که یکی از عوامل مهمی که توسعه ایران را محدود کرده است، تنظیم رابطه بین منافع خصوصی و منافع دولتی است. او تأثیر نبود مقررات مناسب در این حوزه بر گسترش مدارس خصوصی یا برخی مشکلات بیمه‌ای و خدمات درمانی را برجسته می‌کند و راه‌هایی برای تنظیم مؤثر رابطه بین منافع عمومی و خصوصی بدون آسیب به بخش خصوصی پیشنهاد می‌دهد تا سیاست‌گذاران بتوانند ایزوله از منافعی جز آنچه مسیر رشد سیاسی و موفقیت‌های سیاست‌گذاری به آنها دیکته می‌کنند، نفع عمومی را پیش بگیرند. شناخت و کنجکاوی میدری درباره نرم‌افزار توسعه به خیلی پیش از اینها و به پایان‌نامه دکتری او بازمی‌گردد. البته همان‌طورکه میدری شجاعانه بر مبانی جهت‌گیری سیاسی گذشته خود و همراهانش نقدهایی جدی کرده است، در زمینه نظری نیز همگام با صاحب‌نظران جهانی مبانی فکری خود را تصحیح کرده و در راستای خیر عمومی همواره تلاش کرده است به جدیدترین نظریات روز مسلط باشد. با توجه به سوابق احمد میدری می‌توان با اطمینان پیش‌بینی کرد که حضور او در مقام وزارت رفاه فقط به موفقیت‌های سیاستی در حوزه رفاه و نابرابری محدود نخواهد شد و قطعا تأثیرات جانبی جدی بر بخش‌های دیگر دولت خواهد گذاشت و فشاری برای بهبود رویه‌ها در کل دستگاه دولت ایجاد خواهد کرد.

تویی که نمی‌شناسمت

ادامه از صفحه اول

۱۵- بودجه جاری واقعا متورم است و هیچ کوششی برای اصلاح آن به دلیل فشارهای سازمان‌های مربوطه نمی‌شود. ریخت‌وپاش در کشور بسیار زیاد است. ۱۶- ۴۰ سال است به خیال یکسان‌سازی قیمت ارز صدها میلیارد دلار را حرام کرده‌ایم و باز هم می‌خواهیم ادامه دهیم. ارز برای مدیریت و توسعه کشور است و نه کمک به خارج‌کنندگان سرمایه و قاچاقچیان. ۱۷- درحالی‌که شبکه‌های مجازی شبیه واتس‌اپ را فیلتر می‌کنیم و می‌دانیم به نفع فروشندگان فیلترشکن به مبلغ حدود ۵۰ هزار میلیارد تومان در سال است و تقریبا همه فیلترشکن دارند اما به نفع کاسبان تحریم از فیلترکردن دست نمی‌کشیم. ۱۸- روستاها و بسیاری از نقاط شهرها در برابر زلزله پنج شش ریشتری فرومی‌ریزد و بازسازی در آنها تقریبا نزدیک به صفر است. اینها فقط شمه‌ای از مسائل کشور است که فهرست واقعی بسیار بیشتر است. واقعا نمی‌دانم تصور رئیس‌جمهور از ایران، مسائل ایران، نقش ایران در جهان، آینده وجودی ایران و کشمکش‌های درونی در ایران چیست و آیا ایشان مانند کسی هستند که بدون دانستن عمق رودخانه و سرعت آن به آب زده‌اند تا از آن بگذرند یا اینکه همه اطلاعات را دارند و می‌دانند چه کار باید بکنند. طلیعه حضور ایشان نشان می‌دهد که مسائل موجود ایران که روزبه‌روز بزرگ‌تر و حل آن پیچیده‌تر می‌شود، عاملی است که شق اول را به ذهن متبادر می‌کند. این است که حق داریم بگوییم «تویی که نمی‌شناسمت» زیرا امروز آقای دکتر پزشکیان تنها نیست که درباره تشخیص ایشان شناسایی داشته باشیم، بلکه ایشان به‌علاوه مسائل کشور، به‌علاوه راه‌حل‌ها باید ظهور کنند تا قابل شناختن باشند. هرچند در برنامه هفتم که مد نظر ایشان است، بسیاری از مسائل ذکرشده به نحوی دیده شده، اما مهم این است که ایشان به برنامه هفتم و اولویت‌های آن و اجرای آن چگونه می‌اندیشد. آیا برنامه هفتم مانند کلاف سردرگم فائق بر عمل ایشان می‌شود و بهت به بار می‌آورد یا انبوه احکام نمی‌تواند ایشان را تحت تأثیر قرار دهد و به کمک برنامه هفتم به ترمیم کشور می‌پردازد. کاش همان‌طورکه گفتند، همه‌چیز را برای مردم شفاف بگویند و درباره مسائل کشور نظر بدهند. البته اگر در همان اول بتوانند ناترازی سیاست خارجی (یعنی جنگ اعلام‌نشده) با سیاست‌های داخلی کشور (یعنی تظاهر به عادی‌بودن) را حل کنند، قدم بسیار بزرگی برداشته‌اند. بی‌تردید رفع این ناترازی، یعنی فضای جنگ با آمریکا با سیاست‌های اجرائی داخلی، کلید موفقیت ایشان، حکمرانی، نهضت مقاومت و کشور خواهد بود. این نه به عنوان مخالفت با انقلابی‌بودن یا مبارزه با امپریالیسم و صهیونیسم است، بلکه به عنوان لزوم در پیش گرفتن سیاست‌های داخلی جدا از وادادگی‌هایی است که می‌بینیم. اما اگر اصرار بر تداوم سیاست‌های اقتصادی-اجتماعی امروز باشد، با توجه به اسراف در مصرف، وجود و جان ایران راهی جز سازش‌کاری با دشمن پیدا نخواهد کرد.

نگاه خاتمی و روحانی، رؤسای جمهور اسبق به انتخاب وزرا در روزهایی که کابینه چهاردهم حاشیه‌ساز شده است

ضرورت پرهیز از نقد شتاب‌زده

این روزها که بحث کابینه و انتخاب وزرا داغ است و بسیاری از انتخاب گزینه‌هایی از جریان رقیب در کابینه ناخشنود هستند، حسن روحانی و سیدمحمد خاتمی از دو زاویه متفاوت به این بحث ورود کرده‌اند. حسن روحانی خاطرات خود در رابطه با نحوه انتخاب وزرا در سال ۹۲ را منتشر کرده است که همان زمان هم حضور برخی چهره‌ها مانند امروز حاشیه‌ساز بود و موجی از نارضایتی را به همراه داشت. سیدمحمد خاتمی هم در پیامی به دفاع از کابینه وفاق ملی پرداخته و از اصلاح‌طلبان خواسته است که از هر برخورد هیجانی و غیرمنصفانه و شتاب‌زده پرهیز کنند.

حجت‌الاسلام سیدمحمد خاتمی در واکنش به فضای سیاسی و رسانه‌ای ایجادشده نسبت به فهرست پیشنهادی پزشکیان به مجلس، خواستار درک موقعیت پیچیده و خطیر کنونی و برخورد واقع‌بینانه و مبتنی‌بر اطلاعات درست و انصاف در قبال آنچه رخ داده و رخ خواهد داد، شد. او خواست که همه به رئیس‌جمهور محترم در انجام وظایف سنگینی که دارد و عمل‌کردن به خواست ملت و قول‌هایی که داده است یاری رسانیم. رئیس دولت اصلاحات که روز دوشنبه در جمع مشاوران خود سخن گفته و دیروز متن سخنانش منتشر شده، تأکید کرد: انتخاب اعضای هیئت دولت در مجموع روند قابل فهم و طبیعی داشته است. طبعا هر کار تازه‌ای ممکن است اشکالاتی داشته باشد و این امر نباید موجب ارزیابی‌های شتاب‌زده و نومیدی شود و نباید از موضع حمایت رئیس‌جمهوری که هنوز کار خود را شروع نکرده است به وادی انتقاد سخت و مخالفت افتاد. سیدمحمد خاتمی واکنش‌های تند را بعضا متأثر از نارضایتی‌های انباشته‌شده جامعه و توقعات برآمده از انتخابات و بعضا ناشی از برخی پیش‌داوری‌ها و ذهنیت‌های نادرست و بی‌اطلاعی از فرایند انتخاب دانست و افزود: «ما هم ضمن تأیید انتخاب‌های خوبی که شده است بر این باوریم که در بعضی موارد می‌شد خیلی بهتر عمل کرد ولی به جناب پزشکیان احترام می‌گذاریم و ایشان را صاحب حق در انتخاب همکارانشان می‌دانیم و از ایشان انتظار معجزه در هر شرایطی نداریم. طبعا علاقه‌مند و خواستار آن هستیم که به وعده‌هایی که داده‌اند پایبند باشند و ان‌شاءالله چنین خواهد شد».

رئیس‌جمهوری اسبق ایران تصریح کرد: وقتی ایشان می‌گوید طرح نور، طرح سیاهی است، طبعا جلوی آن خواهد ایستاد. وقتی آنچه را بر جامعه دانشگاهی و فرهیخته می‌گذرد نمی‌پسندد، می‌کوشد آنچه درست است و مورد پسند آنان است عملی شود. وقتی از تحقیر هنرمندان و توهین و جفا به آنها (که بسیاری از آنها از خود نهادهای رسمی فرهنگی بوده است نه نهادهای امنیتی) رنج می‌برد با آن مخالفت خواهد کرد. ایشان پایبند به قول و نظر خود مبنی‌بر رابطه و تعامل براساس مصالح ملی با دنیا و رفع تحریم‌هاست و نیز به اصلاح در عرصه اقتصادی به‌ویژه آنچه به معیشت و بهداشت و امنیت مردم مربوط می‌شود و به توسعه توأم با عدالت می‌انجامد باور دارد. لذا در عمل هم پایبند خواهد بود و اینها خواست‌هایی است که باید از ایشان داشت.

سیدمحمد خاتمی خاطرنشان کرد: دولت وفاق ملی و وحدت هم رویکرد خوبی است، ولی ۵۰ درصدی که در انتخابات شرکت نکردند و چندین میلیون نفری که عمدتا از واهمه اینکه زمام امور به دست جریانی نامطلوب برای مصالح ملی و امنیت و توسعه کشور بیفتد، به ایشان رأی دادند، باید در امر وفاق و وحدت موردنظر جدی باشند؛ نه فقط گروه‌ها و جریان‌های خاصی که پایگاه محدودی در متن جامعه دارند. وفاق ملی، ائتلاف سیاسی نیست، توجه همگانی به خواست ملت، برای تغییر و اصلاح امور است. برای پیشبرد آن، حاکمیت و همه جریان‌های سیاسی باید عملا از این راهبرد حمایت کنند.

باید نگاه انتقادی و البته خیرخواهانه نسبت به دولت داشت

او در خاتمه تأکید کرد: اصلاح‌طلبان و همه خیرخواهان کشور و ملت نباید مواضع اصولی خود را برای اصلاح رویه‌های غلط حکمرانی از یاد ببرند و باید نگاه انتقادی و البته خیرخواهانه خود را نسبت به دولت داشته باشند؛ ولی از هر برخورد هیجانی و غیرمنصفانه و شتاب‌زده با مسائل که ناشی از اتکا به داده‌های نادرست و یا ناتمام و ذهنیت‌ها و قضاوت‌های پیشینی و عدم توجه به پیچیدگی‌های امور و آینده‌نگری است، خودداری کنند. راه اصلاح، راه دراز و پرفرازونشیبی است و هرگامی که در این راه برداشته شود، مغتنم است.

هیچ‌یک از این افراد سفارش نشدند

حسن روحانی نیز در این بزنگاه تاریخی، درباره نحوه انتخاب کابینه اول خود در دولت یازدهم سخن گفته که نشان از شرایط خاص برای انتخاب وزرا در زمان تصمیم‌گیری هر رئیس‌جمهوری است. او گفته: اولین وزیری را که قطعی کردم، دکتر محمدجواد ظریف بود تا پس از تکمیل نهاد دولت اولین برنامه سیاسی دولت هم شروع شود. پس از آن در همان روز با دکتر اسحاق جهانگیری دیدار کردم و درحالی‌که احتمالا فکر می‌کرد برای وزارت صمت (صنعت، معدن و تجارت) پیشنهاد شود به او پیشنهاد معاونت اول را دادم. سایت رئیس دولت‌های یازدهم و دوازدهم، در بازخوانی خاطرات روحانی در انتخاب وزرا از زبان روحانی نوشته که روز شنبه نهم تیرماه رسما فرایند انتخاب وزرا شروع شد. با آقای عباس آخوندی هم دیدار کردم. او به تصدی وزارت کشور فکر می‌کرد چون سابقه کار در آن را در دوره آقای ناطق‌نوری داشت، اما از تصدی وزارت مسکن ابا داشت چون فکر می‌کرد همان دوره‌ای که در این وزارتخانه بوده کافی است. جالب اینجاست که برخلاف گمانه‌زنی افکار عمومی و محافل سیاسی، هیچ‌یک از این افراد که به کابینه دعوت شدند از سوی افراد ذی‌نفوذ سیاسی برای مسئولیتی که برعهده گرفتند، سفارش نشده بودند. نه آقای هاشمی سفارش آقای جهانگیری را کرده بود، نه آقای ناطق‌نوری سفارش آقای آخوندی را کرده بود. حتی آنان از انتخاب‌های من شگفت‌زده می‌شدند. برخی انتخاب‌ها البته قابل پیش‌بینی بود. مانند آقای نجفی برای وزارت آموزش‌وپرورش و آقای زنگنه برای وزارت نفت و حتی آقای ظریف برای وزارت امور خارجه. اما کسی فکر نمی‌کرد من آقای جهانگیری را برای معاونت اول و آقای رحمانی‌فضلی را برای وزارت کشور یا آقای علی جنتی را برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دکتر حسن قاضی‌زاده‌هاشمی را برای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی معرفی کنم. البته من هم برای وزارت آموزش‌وپرورش و هم برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دو گزینه دیگر را در نظر داشتم. دو تن از زنان ایران که به نظرم شایسته این مقام بودند اما به دلایلی این اتفاق نیفتاد.

پیشنهاد من به رحمانی‌فضلی باعث تعجب علی لاریجانی شد

روز بعد در دهم تیرماه ۹۲ هم رایزنی‌ها برای تشکیل کابینه ادامه یافت. پس از دیداری با آقای ری‌شهری که برای تبریک آمده بود، با آقای محمد نهاوندیان برای جایگاه رئیس دفتر رئیس‌جمهور مذاکره کردم؛ هرچند درباره وزارت اقتصاد هم مشورت کردیم. با آقای محمدرضا باهنر هم درباره وزرا مشورت کردیم و به آقای نعمت‌زاده پیشنهاد کردم وزارت صنایع را برعهده گیرند. اما از همه متفاوت‌تر پیشنهاد من به آقای عبدالرضا رحمانی‌فضلی برای تصدی وزارت کشور بود. پیشنهادی که نه‌تنها تعجب او را برانگیخت، بلکه وقتی خبر به آقای علی لاریجانی هم رسید ایشان هم متعجب شد. رحمانی‌فضلی از هم‌فکران علی لاریجانی بود و معاون او در سازمان صداوسیما و دبیرخانه شورای‌عالی امنیت ملی، اما در فهرست پیشنهادی

لاریجانی به من نبود. من هم اول می‌خواستم آقای ناطق‌نوری وزیر کشور شود اما ایشان گفت حوصله مجادله با مجلس را ندارد و اصولا هیچ وزارتی و هیچ مسئولیتی که با مجلس مواجه شود را قبول نمی‌کند.

می‌خواستم کابینه‌ام مورد تأیید مقام رهبری باشد

با این رایزنی‌ها فهرست کابینه تا حدودی روشن شد و من روز سه‌شنبه یازدهم تیرماه ۱۳۹۲ در دومین جلسه دونفره پس از ریاست‌جمهوری با مقام رهبری به دیدار آیت‌الله خامنه‌ای رفتم. موضوع اصلی این جلسه انتخاب وزرا بود. طبق عرف حداقل برای انتخاب وزرای خارجه، اطلاعات، دفاع و کشور لازم بود نظر ایشان را بدانم. این عرف کم‌وبیش درباره وزرای «آموزش‌وپرورش»، «علوم، تحقیقات و فناوری» و «فرهنگ و ارشاد اسلامی» و معاونت رئیس‌جمهور و رئیس سازمان انرژی اتمی هم توسعه یافته بود، اما من کاری به این عرف‌ها نداشتم. من می‌خواستم کابینه‌ام مورد تأیید مقام رهبری باشد و ایشان دولت مرا دولت خودشان بدانند.

به دنبال یک دولت وفاق و اتحاد ملی بودم

در دعوت از این افراد و افراد دیگر اما هدف مهم‌تری هم داشتم و آن ایجاد یک دولت وفاق و اتحاد ملی پس از حوادث سال ۸۸ بود که در هماهنگی با رهبری وحدت ملی ایران را نمایندگی کند. بنابراین بر برخی معیارهای شخصی خودم اصراری نکردم. معیارهایی مانند حمایت از نامزدی من برای ریاست‌جمهوری یا رقابت با من اصلا ملاک دعوت از افراد نبود. وقتی من رقیبانم را به کابینه دعوت می‌کردم دیگر نسبت به عضویت در ستادهای رقیب معلوم بود که چه معنایی دارد. حتی انتقاد مردم از عدم تحقق برخی برنامه‌ها مانند انتخاب وزیر زن را به جان خریدم تا پشتوانه دولت تضعیف نشود. به هرحال من نمی‌توانستم مانند محمود احمدی‌نژاد با قراردادن نظام در برابر عمل انجام‌شده هم اقتدار دولت را در عزل‌ونصب‌ها مخدوش کنم و هم اعتماد نظام برای حمایت از دولت را از دست بدهم.

بنابراین با این راهبرد اولین جلسه گفت‌وگوی من با رهبری درباره وزیران را می‌توانم موفق بخوانم. گرچه در انتخاب برخی وزرا موفق نبودم اما نه‌تنها تأیید رهبری در انتخاب محمدجواد ظریف را به دست آوردم، بلکه توانستم پرونده هسته‌ای ایران را از شورای‌عالی امنیت ملی به وزارت امور خارجه منتقل کنم.

رهبری با انتخاب شمخانی موافق نبودند

من در پی فردی بودم که در دوره دولت جدید بتواند با اقتدار و هماهنگی با دولت، دبیر شورای‌عالی امنیت ملی باشد. پیشنهاد اولیه من آقای ناطق‌نوری بود و پس از امتناع ایشان آقای محمد فروزنده هم این مقام را قبول نکردند. در نهایت آقای علی شمخانی را پیشنهاد کردم که البته در ابتدا رهبری قبول نمی‌کردند اما با اصرار من -که فکر می‌کنم نادرست بود- در نهایت پذیرفتند؛ هرچند پشیمان هم شدم اما دیگر راه بازگشت مناسبی وجود نداشت. اگر افرادی مانند آقای ناطق‌نوری و محمد فروزنده پیشنهاد من را قبول می‌کردند شاید من هم پرونده را به وزارت امور خارجه منتقل نمی‌کردم. رهبری درباره پیشنهاد دکتر ظریف به عنوان وزیر امور خارجه هیچ نکته انتقادی نگفتند و از ایشان تعریف هم کردند. درباره آقای رحمانی‌فضلی به عنوان وزیر کشور هم تعریف کردند و وقتی در جلسه بعدی معاونت اول آقای جهانگیری را طرح کردم هم از ایشان خیلی تعریف کردند. به این ترتیب سه ضلع سیاسی کابینه روشن شد. اکنون می‌دانستم کار را باید از کجا شروع کنم: از سیاست خارجی و پرونده هسته‌ای. می‌خواستم با انتخاب افرادی چون آقایان جهانگیری و ظریف هم چرخ کشور بچرخد و هم چرخ هسته‌ای... .

با ماهی ۴۰۰ میلیون درآمد چرا وزیری با درآمد ۱۰ میلیون شوم؟

از همه جالب‌تر واکنش دکتر حسن قاضی‌زاده‌هاشمی به پیشنهاد من برای تصدی وزارت بهداشت بود. آقای قاضی‌زاده‌هاشمی از من پرسید می‌دانی درآمد من چقدر است؟ من البته هرازگاهی برای معاینه چشم به مطب دکتر هاشمی مراجعه می‌کردم، اما در این‌گونه مسائل اهل کنجکاوی نبودم و نیستم. گفتم چقدر است؟ گفت من ماهانه ۴۰۰ میلیون تومان درآمد دارم آن وقت شما می‌خواهید با ۱۰ میلیون تومان حقوق ماهانه مرا وزیر کنید؟! من لبخندی زدم و گفتم البته که ضرر می‌کنید اما ملت از وزارت شما سود می‌کند! دکتر هاشمی از دوستان من در دوران جنگ بود و می‌دانستم که این حرف‌هایش کم‌وبیش شوخی است و هنوز روح ایثارگری در او هست.

عمده وزیران و مدیران ارشد دولت من از جمله خود من درآمدشان در این هشت سال اگر کم نشد، زیاد هم نشد و عمدتا از نهادهای بیرون دولت مانند دانشگاه حقوق می‌گرفتند. خود من یک ریال حقوق از نهاد ریاست‌جمهوری نگرفتم و تا پایان دولت به عنوان عضو هیئت‌علمی پژوهشکده مرکز تحقیقات استراتژیک حقوق می‌گرفتم. در واقع از نهم تیرماه تا نهم مردادماه به مدت یک ماه تمام مشاوران من در همان کمیته‌های چهارگانه «سیاسی-امنیتی»، «سیاست خارجی»، «اقتصادی» و «اجتماعی-فرهنگی» دست به مشورت گسترده‌ای برای پیشنهاد وزیران زده بودند. دایره مشورت‌ها گسترده بود. از آقای احمد توکلی تا مسعود نیلی در اقتصاد و از آقای غلامعلی حدادعادل تا احمد مسجدجامعی در فرهنگ و از محمدرضا باهنر تا غلامحسین کرباسچی در سیاست طرف مشورت قرار گرفته بودند. برای هر وزارت سه تا پنج نامزد با رأی‌گیری اعضای کمیته‌ها به مرحله نهایی می‌رسیدند و توسط شخص من درباره آنان تصمیم‌گیری می‌شد. البته دو نفر بیرون از کمیته‌های چهارگانه وارد مرحله نهایی شدند و به عنوان وزیر معرفی شدند: آقای قاضی‌زاده‌هاشمی برای وزارت بهداشت و آقای عبدالرضا رحمانی‌فضلی برای وزارت کشور که بنا به تشخیص و سابقه فردی من به مجلس معرفی شدند. به آقای محمدباقر قالیباف پیشنهاد کردم معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست شود. ایشان در ابتدا این پیشنهاد را قبول کرد، اما گفت منتظر تصمیم شورای شهر است و اگر شهردار تهران بماند، می‌تواند بیشتر به دولت کمک کند، اما اگر شهردار نشد به هیئت دولت می‌آید. آقای قالیباف ضمنا بدون آنکه من بحثی کنم گفت در دوره آینده نامزد ریاست‌جمهوری نخواهد شد! من درباره همه وزارتخانه‌ها با رهبری مشورت کردم. ایشان درباره هفت وزارتخانه خارجه، کشور، دفاع، اطلاعات، ارشاد، علوم و آموزش‌وپرورش نظر جدی داشتند. غیر از دو وزارت کشور و خارجه درباره پنج وزارتخانه دیگر در مرحله اول به نتیجه نرسیدیم. اما در مورد بقیه وزارتخانه‌ها ایشان از آقایان محمود حجتی برای وزارت کشاورزی، محمدرضا نعمت‌زاده برای صمت (صنعت، معدن و تجارت) و چیت‌چیان برای وزارت نیرو تعریف کردند؛ ضمن اینکه فرمودند دخالتی نمی‌کنم.

بار دیگر برای دعوت از آقای ناطق‌نوری برای حضور در هیئت دولت تلاش کردم و به او پیشنهاد کردم مشاور عالی رئیس‌جمهور شوند. ایشان ابتدا قبول کردند و درباره حوزه اختیارات و مسئولیت‌ها بحث کردیم و حتی حکم ایشان هم نوشته شد. ساختمانی هم برای استقرار ایشان در نظر گرفتم. اما هنگام اعلام خبر در تماس رئیس دفتر رئیس‌جمهور با آقای ناطق ناگهان ایشان اعلام انصراف کرد. از آنجا که وزیر اطلاعات حتما باید با نظر مقام رهبری انتخاب شود، آقای سیدمحمود علوی را برای این کار معرفی کردم. او با وجود سابقه نمایندگی رهبری در ارتش یک بار از سوی شورای نگهبان برای نمایندگی مجلس ردصلاحیت شده بود و به تعبیری، دردکشیده بود. به همین علت در روز ۱۹ تیرماه ۹۲ وقتی که ایشان را برای مذاکره درباره وزارت اطلاعات فراخواندم گفتم آن تجربه ردصلاحیت یادت هست؟ مزه‌اش را که فراموش نکردی؟ با لبخند به من گفت: نه هرگز از یاد نمی‌برم! گفتم من شما را به وزارت اطلاعات می‌فرستم تا جلوی همین کارها را بگیری. آقای علوی هم مانند آقای یونسی در فکر وزارت کشور بود، اما به او گفتم در وزارت اطلاعات در کنار وظایف اصلی، ضمنا بهتر می‌تواند مانع از ردصلاحیت‌های غیرقانونی شود. در یک ارزیابی کلی می‌توانیم جدولی از نسبت دولتی که من پیشنهاد کردم و دولتی که در نهایت تشکیل شد را این‌گونه به تصویر بکشیم: «وزارت دفاع: گزینه سوم رئیس‌جمهور»؛ «وزارت اطلاعات: گزینه سوم»؛ «وزارت ارشاد: گزینه سوم، البته گزینه اول زن بود»؛ «وزارت علوم: گزینه پنجم، آقایان عارف، کمال خرازی و علی‌اکبر صالحی قبول نکردند»؛ «وزارت آموزش‌وپرورش: گزینه دوم، گزینه اول زن بود»؛ «وزارت کشور: گزینه سوم، آقای ناطق قبول نکرد»؛ «وزارت دادگستری: گزینه دوم که آقای محمدجعفر منتظری قبول نکردند»؛ «در مورد دبیر شورای‌عالی امنیت ملی من چهار گزینه را معرفی کردم: اول، آقای محمد فروزنده که قبول نکرد و حتی وقتی من مسئله ایشان را حل کردم هم زیر بار این پیشنهاد نرفتند. دوم، آقای علی‌اکبر ناطق‌نوری که اول قبول کردند اما بعدا منصرف شدند با وجود اینکه من مشکل مورد نظر ایشان را حل کردم. سوم، فردی که رهبری نپذیرفتند. چهارم، آقای علی شمخانی که تا دو بار رهبری قبول نکردند، اما من گفتم فعلا فردی به عنوان جایگزین ندارم و ایشان به ملاحظه من قبول کردند. جالب اینجاست که آقای شمخانی هم فکر نمی‌کرد من ایشان را معرفی کنم چون دامادشان در جریان انتخابات علیه شخص من فعال بود، اما می‌گفتند دامادش را قبول ندارد و با او رابطه ندارد! برای من البته این، مسئله مهمی نبود».

خبر

رهبر انقلاب در دیدار اعضای ستاد کنگره ملی شهدای استان کهگیلویه و بویراحمد تأکید کردند:

لزوم ایستادگی در مقابل جنگ روانی دشمن

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری: رهبر معظم انقلاب اسلامی ظهر دیروز در دیدار دست‌اندرکاران ستاد کنگره ملی شهدای استان کهگیلویه و بویراحمد با اشاره به ترفند بدخواهان ایران در ایجاد جنگ روانی و ترس برای به عقب‌نشینی واداشتن ملت ایران در عرصه‌های گوناگون، شناخت توانایی‌های خود و پرهیز از بزرگ‌نمایی توان بدخواهان را راه مقابله با این ترفند خواندند و گفتند: شهیدان با فداکاری و مجاهدت خود در مقابل این جنگ روانی ایستادگی کردند و آن را خنثی کردند. در بزرگداشت آنها نیز باید این حقیقت را برجسته کرد و زنده نگه داشت. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای یکی از پایه‌های اصلی جنگ روانی علیه ملت عزیز و ایران اسلامی را بزرگ‌نمایی از توانایی‌های دشمنان خواندند و گفتند: از ابتدای پیروزی انقلاب آنها به شیوه‌های مختلف به ملت ما تفهیم و القا می‌کردند که باید از آمریکا، انگلیس و صهیونیست‌ها بترسید. ایشان هنر بزرگ امام (ره) را بیرون‌راندن ترس از دل‌های ملت و خودباوری و اعتمادبه‌نفس دادن به آنها دانستند و افزودند: ملت ما احساس کرد که با اتکا به نیرو و توان درونی خود قادر به انجام کارهای بزرگ است و دست دشمن آن‌چنان که وانمود می‌کند، پُر نیست. رهبر انقلاب اسلامی هدف دشمن از جنگ روانی در عرصه نظامی را ایجاد ترس و عقب‌نشینی خواندند و گفتند: به تعبیر قرآن کریم، عقب‌نشینی غیرتاکتیکی در هر میدانی چه عرصه نظامی و چه میدان‌های سیاسی، تبلیغاتی و اقتصادی، غضب الهی را به دنبال دارد. ایشان احساس ضعف و انزوا و تسلیم‌شدن در مقابل خواسته‌های دشمن را از آثار بزرگ‌نمایی توان آن در عرصه سیاسی دانستند و افزودند: دولت‌هایی که با ملت‌های بزرگ و کوچک امروز در مقابل خواسته‌های مستکبران تسلیم هستند، اگر به ملت‌ها و توانایی‌های خود تکیه کنند و واقعیت توان دشمن را به دور از بزرگ‌نمایی بشناسند، می‌توانند به خواسته‌های آنها «چَشم» نگویند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، نتیجه بزرگ‌نمایی دشمن در میدان فرهنگ را نیز احساس انفعال، مجذوب فرهنگ دشمن شدن و تحقیر فرهنگ خود، خواندند و گفتند: نتیجه چنین انفعالی، قبول سبک زندگی طرف مقابل و حتی استفاده از واژگان و تعابیر بیگانه است. رهبر انقلاب، شهدا و مجاهدان را عناصر ایستاده در مقابل جنگ روانی دشمن برشمردند و افزودند: باید از جوانانی که بدون احساس ترس و تأثیرپذیری از سخنان دیگران در مقابل جنگ روانی ایستادند، قدردانی کرد و این حقیقت را باید در آثار و تولیدات هنری و بزرگداشت‌ها، مجسم کرد و زنده نگاه داشت. ایشان با تأکید بر تولید آثار فرهنگی و هنری درباره شهدا و دفاع مقدس از جمله کتاب و فیلم به‌گونه‌ای که تأثیرات ماندگار به‌خصوص در سبک زندگی مخاطبان و جوانان ایجاد کند، از دست‌اندرکاران برگزاری این کنگره تقدیر کردند و گفتند: شهادت و فداکاری جوانان یک ملت، ذخیره و پشتوانه بزرگی برای پیشرفت کشور است که باید حفظ و از تحریف یا فراموشی آن جلوگیری شود.

پیام تسلیت رهبری در پی درگذشت همسر آیت‌الله شبیری‌زنجانی

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی درگذشت همسر گرامی حضرت آیت‌الله آقای حاج سیدموسی شبیری‌زنجانی، از مراجع عظام تقلید را تسلیت گفتند.

متن پیام رهبر انقلاب به این شرح است: بسم الله الرّحمن الرّحیم، حضرت آیت‌الله آقای حاج سیدموسی شبیری‌زنجانی دامت برکاته

درگذشت بانوی مکرمه، همسر گرامی جناب‌عالی را به آن جناب و به آقازادگان معزّز تسلیت عرض می‌کنم و رحمت و مغفرت الهی برای ایشان و سلامت و عافیت برای جناب‌عالی از خداوند متعال مسئلت می‌نمایم.

سیدعلی خامنه‌ای